

حضور ایران در اجلاس اضطراری دوحه فرصت طرح ابتکار برای مواجهه با تهدید منطقه‌ای اسرائیل را فراهم کرده است

اجلاس دوحه پاتکی به طرح اسرائیل بزرگ؟

تجاوز صهیونیست‌ها به قلب قطر، جهان عرب را در شوک فروبرد. اسرائیلی‌ها نه تنها از این اتفاق ابراز تأسف نکردند که با بهانه حضور هریک از چهره‌های مقاومت، دیگر کشورهای مسلمان را هم به تجاوزی مشابه تهدید کردند. در این موقعیت شوکنزده تحلیل چندین سساله ایران در تهدید خواندن بالقوه اسرائیل حالا بالفعل شده است. رژیم صهیونیستی در حال تبدیل شدن به یک تهدید بالفعل برای کشورهای منطقه است. اولین واکنش جهان عرب بعد از این اتفاق، برگزاری اجلاس اضطراری در پایتخت قطر بود. شهری که هدف حمله موشک‌های رژیم صهیونی از آسمان دریای سرخ قرار گرفت، روز یکشنبه و دوشنبه میزبان سران کشورهای اسلامی و جهان عرب خواهد بود. البته اگر این نشست نیز قرار باشد به سبک و سیاق نشست‌های شورای امنیت به جلسه‌ای برای ابراز نگرانی، محکومیت زبانی و میزی برای بیان «هرچه دل تنگ کشورهای عربی می‌خواهد» تبدیل شود، خروجی متفاوت‌تر از اجلاس‌های شورای امنیت نخواهد داشت و به تبع آن، بازارندگی نیز برای عدم تکرار تجاوزات مشابه به همراه نخواهد داشت. ایران می‌تواند از فرصت حضور در اجلاس دوحه برای ارائه ابتکاری که هم بتواند کشورهای مسلمان را نسبت به این تهدید بیدار کند و هم پروژه آمریکا را برای در انزوا قرار دادن ایران و محور مقاومت خنثی کند، استفاده کند.

نظم جدیدی در کار است؟

بر مبنای آنچه وال استریت ژورنال می‌گوید، تجاوز صهیونیست‌ها به دوحه با شلیک موشک و با عبور از آسمان عربستان سعودی به هدف اصابت کرده است. بعد از این تجاوز، تئوری‌های مختلفی از تغییر نظم منطقه‌ای و جایگاه آمریکا در کشورهای جهان عرب مطرح شد. رسانه‌های آمریکایی صراحتاً به این موضوع اشاره کردند که تجاوز صهیونیست‌ها و عدم واکنش آمریکا باعث تضعیف اعتماد کشورهای عربی به آمریکا خواهد شد. در منطقه نیز تحلیل‌ها بر این محور استوار بود که تعامل کشورهای عربی با آمریکا و اسرائیل تحت تأثیر این تجاوز، تغییراتی ماهوی پیدا خواهد کرد. بلافاصله بعد از حمله دوحه، بن زاید رئیس امارات، به قطر، بحرین و عربستان سفر کرد. سفرهای منطقه‌ای آن هم در آستانه برگزاری اجلاس اضطراری در دوحه گمانه‌زنی در مورد تجدیدنظری جدی در روابط کشور‌های عربی در مواجهه با بحران اسرائیل را تقویت کرد. اما واقعیت آن است که حمله رژیم به دوحه اگرچه شوک بزرگی برای کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس به همراه داشت اما بعید است این اتفاق منجر به چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در رفتار این کشورها با اسرائیل و آمریکا بشود. کشورهای عربی، مخصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس، توانمندی نظامی خودساخته‌ای برای مواجهه با تهدیدات احتمالی رژیم را ندارند. امنیت در این مناطق عموماً با صرف هزینه مالی و اتکا به قدرت نظامی آمریکا تأمین شده است. اگر این کشورها بخواهند در مقابل تهدیدات نظامی اسرائیل، واکنش نظامی نشان دهند، به سد تهدید

آمریکایی‌ها برخورد خواهند کرد و مجبور به واکنشی خنثی خواهند شد.

اجلاس دوحه مبدأ تغییر نظم منطقه‌ای؟

بعد از کشته شدن یک مقام امنیت داخلی قطری در تجاوز اسرائیل به دوحه و آسیب به مناطق مسکونی در پایتخت قطر، اقدام کشورهای عربی با اتکا به ابراز نگرانی و مسکوت، زمینه را برای تکرار حملات مشابه فراهم خواهد کرد. حضور ایران در این اجلاس که یکی از اصلی‌ترین کشورهای حامی محور مقاومت است و در جنگی ۱۲ روزه مقابل تجاوز رژیم صهیونی ایستاده، فرصتی است که می‌تواند انتفاعی دوجانبه برای کشورهای حاضر در اجلاس و طبعاً ایران به همراه داشته باشد. اگر ایران ابتکاری را در این اجلاس مطرح کند که زمینه همگرایی کشورهای مسلمان علیه تهدید جهانی اسرائیل را فراهم کند و آن‌ها را نه صرفاً به حمایت از محور مقاومت بلکه به مواجهه‌ای بازدارنده علیه این تهدید سوق دهد، اجلاس دوحه می‌تواند مبدأ تغییر نظم منطقه‌ای علیه اسرائیل باشد.

عادی‌سازی بی‌عادی‌سازی

منزوی کردن ایران با اعمال فشارهای گسترده و القای این موضوع که ایران تهدیدی برای امنیت منطقه است، نقشه‌ای بود که صهیونیست‌ها بعد از آغاز طوفان الاقصی با شیب تندی آن را دنبال کردند. برخی کشورهای منطقه که نگاهی تهدیدمحور به ایران داشتند بی‌سروصدا با این طرح همراه شدند. زمینه‌سازی برای پیوستن به توافق‌نامه‌های ابراهیم نیز تلاشی برای نزدیک شدن برخی کشورهای عربی با هدف مهار تهدید ایران بود. تجاوز اسرائیل به قلب قطر، کشوری که رویکردی صلح‌طلبانه دارد، معادلات برنامه‌ریزی‌شده‌سران کشورهای عربی را به‌هم ریخت. اسرائیل نه فقط ایران و محور مقاومت بلکه تقریباً تمام کشورهای مسلمان و جهان عرب را تهدیدی محوری برای خود



می‌داند و اگر بهانه‌ای پیدا کند از تجاوز به آسمان آن‌ها دریغ نخواهد کرد. این اقدام پروژه به انزوا کشاندن ایران در منطقه را با گل به خودی صهیونیست‌ها به شکست کشاند. تجاوز به آسمان دوحه، «سرطانی بودن این غده» را در منطقه به نمایش گذاشت و نشان داد واکنش‌های اعلامی و اعمالی ایران در مواجهه با رژیم، با شناخت دقیق از ماهیت وجودی آن تنظیم شده و برد بیشتری برای تأمین امنیتش به همراه دارد. براین اساس پیشنهادهای مطرح شده توسط ایران با پذیرش بیشتری همراه خواهد شد. ایران می‌تواند با یادآوری اشتباه راهبردی کشورهای حاشیه خلیج فارس در مورد تشخیص تهدیدهای جهانی، زمینه را برای نزدیک‌تر شدن روابط با این کشورها و تجدیدنظر در تقویت و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی فراهم کند.

پاسخی برای طرح اسرائیل بزرگ پیداکنید

تناهیاو نشان داد آنچه به عنوان طرح اسرائیل بزرگ مطرح می‌کند، لاف‌زنی سیاسی نیست. تجاوز به آسمان قطر و متحد آمریکا که در خاکش پایگاه نظامی دارد، نشان داد بی‌بی با باورهای نژادپرستانه به مثابه هیتلر نازی می‌تواند به تنهایی منطقه را به آشوب بکشد. تجاوز به ۸ کشور در بازه زمانی کوتاه‌مدت نشان داد رژیم صهیونیستی برای اجرای آن نیز هراسی ندارد. آنچه ایران می‌بایست در اجلاس دوحه بر آن تأکید کند این است که طبیعتاً در این موقعیت، افتادن در تله آمریکا و پیوستن به پیمان‌نامه‌های ابراهیم، تنها مشروعیت بیشتری به رژیم برای ادامه تجاوزاتش در منطقه خواهد داد و تنها گزینه پیش رو، جدی گرفتن خطر طرح اسرائیل بزرگ و شکل‌گیری اتحادی با کشورهای مسلمان برای ایستادن مقابل این طرح است. ایران می‌بایست این گزاره را یادآوری کند که سکوت در مقابل این تجاوزات، آسمان کشورهای حاشیه خلیج فارس را به اتو جان جگنده‌های آمریکایی در اختیار رژیم تبدیل خواهد کرد که هر زمان که تشخیص دهد و با بهانه حضور یکی از چهره‌های

آمریکا با عدم صدورروایدید مقامات برخی کشورها نشان داد میزبانی از نهادهای بین‌المللی ابزاری برای بهره‌برداری سیاسی است

سازمان چه ملی؟!

محور مقاومت آن را مورد تعرض قرار خواهد داد. تنها راه برای مقابله با این طرح‌ریزی صهیونی، شکل‌گیری اتحاد بزرگ کشورهای مسلمان در مقابل خطر این رژیم آپارتاید است. طبیعتاً در این موقعیت هرگونه به رسمیت شناختن و عادی‌سازی روابط با اسرائیل به حاشیه خواهد رفت.

بدانید اسرائیل برایتان تهدید است

حتی اگر این موضوع را در نظر بگیریم که این کشورها به خاطر ظلمی که بر مردم غزه وارد می‌شود، به دنبال تغییر سیاست‌هایشان در مورد اسرائیل نباشند، اما به خاطر موجودیت خودشان و تهدیدی که متوجه امنیتشان است طبیعتاً فجیور به فاصله‌گذاری با رژیم صهیونیستی خواهند شد. ایجاد این باور برای جهان عرب که اسرائیل تهدیدی وجودی برای آنهاست، کفایت می‌کند تا با تشدید نگرانی آن‌ها نسبت به رفتارهای تجاوزکارانه اسرائیل، تغییری در جنس مواجهه‌شان با رژیم ایجادشود یا حداقل این گزاره را بپذیرند که اسرائیل را نمی‌توان به عنوان متحدی که به مناسبات دیپلماتیک و حق تمامیت ارضی کشورها احترام می‌گذارد، به رسمیت شناخت. علاوه برآن باید تأکید کرد که آمریکا نیز نمی‌تواند منافع کشورهای حاشیه خلیج فارس را تأمین کند. حتی اگر پایگاه‌های این کشور در خاک آن‌ها باشد تجاوز به حریم هوایی‌شان با سکوت از جانب آمریکا همراه خواهد شد و نهایتاً نیز آمریکایی‌ها با برگزاری یک ضیافت شام و اعلام آنکه همچنان به حمایت از قطر ادامه خواهند داد، اکتفا می‌کنند. برجسته کردن این حمایت ضعیف آمریکا فرصتی در اختیار ایران قرار می‌دهد تا به کشورهای حاشیه خلیج فارس بگوید که گذاشتن همه تخم‌مرغ‌هایشان در سبد حمایت آمریکا و سرمایه‌گذاری‌ها و هدیه‌های میلیارد دلاری، نمی‌تواند برای آن‌ها امنیت به همراه بیاورد و متحد قابل اعتمادی برایشان بسازد؛ چراکه آمریکا هر زمان که تشخیص دهد منافع این کشورها را زیر پا خواهد گذاشت.

از اهرم فشارهای اقتصادیتان استفاده کنید

کشورهای حاشیه خلیج فارس اگرچه توان نظامی قابل توجهی برای پاسخ کوبنده در اختیار ندارند، اما اهرم فشارهای قدرتمند اقتصادی ازجمله سسوخ‌ت در اختیار دارند که می‌تواند برای اعمال فشار به آمریکا برای مهار رژیم استفاده شود. هم‌زمان با حمله اسرائیل به دوحه، قیمت جهانی سوخت افزایش پیدا کرد. این افزایش قیمت می‌تواند زنگ خطری جهانی را به صدا دریاورد. کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توانند این تهدید را روی میز بگذارند که اگر اسرائیل رفتار خود را در منطقه کنترل نکند و به تجاوزاتش ادامه دهد، این کشورها نیز از اهرم فشار قدرتمند خود یعنی سوخت استفاده خواهند کرد و این بحران تنها منحصر به خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس نخواهد بود. اقدام دیگری که کشورهای عربی می‌توانند برای مهار رژیم انجام دهند، به انزوا کشاندن رژیم صهیونیستی است. کام اول قطع صادرات کالا به سرزمین‌های اشغالی از جانب کشورهای عضو است. برای مثال از اکتبر ۲۰۲۳ تا فوریه ۲۰۲۵، پنج کشور عربی ازجمله مصر، اردن، مغرب و بحرین، بیش از ۶٫۱ میلیارد دلار تجارت با اسرائیل داشتند. قطع این تعاملات تجاری آن‌ها را با بحران‌های جدی مواجه خواهد کرد و هزینه تجاوز مجدد را برای آن‌ها بالا خواهد برد.

فرانسه، کانادا و استرالیا برای اعلام به رسمیت شناخته شدن فلسطین در نشست آتی فشار بر آمریکا افزایش یافته است. این کشورها تحت تأثیر اعتراضات داخلی، فلسطین را به عنوان «کشور مستقل» به رسمیت می‌شناسند. استرالیا که خیابان‌هایش در حمایت از فلسطین شلوغ‌تر از هر کشور است چاره‌ای جز اعلام موضع زبانی علیه اسرائیل نداشته؛ هرچند با قطع روابط دیپلماتیک با ایران اثبات کرده است که در عمل همچنان از سیاست‌های تقابلی غرب تبعیت می‌کند. کانادا با وجود سابقه محافظه‌کارانه تحت دولت جاستین تروdo پس از تغییر دولت و تحت‌تأثیر تعرفه‌های سنگین آمریکا تغییر جهت داده است. فرانسه و انگلیس نیز به عنوان اعضای دائم شورای امنیت این اقدام را در واکنش به یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در پرونده اوکراین انجام می‌دهند.

یک مطالبهٔ جدی

مجمع عمومی سسازمان ملل در سال ۱۹۸۸ برای نخستین بار محل برگزاری نشست خود را تغییر داد و آن را در ژنو برگزار کرد. پس از گذشت ۴ دهه شرایط مشابهی رقم خورده است زیرا دولت آمریکا محدودیت ویزا را برای هیئت‌های فلسطینی وضع کرده است و همین امر سبب شد تا درخواست‌ها برای برگزاری نشست اسمال مجمع عمومی در ژنو مطرح شود. هرچند هیچ طرح رسمی در مورد این انتقال وجود ندارد؛ اما انتشار اخباری مبنی‌بر انتقال مجمع عمومی به به ژنو حداقل اثبات می‌کند که تلاش‌ها برای مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و مهار سوءاستفاده‌ها از میزبانی نهادهای بین‌المللی وجود دارد. این اقدام نمایشی کم‌سابقه از مقابله با آمریکا محسوب می‌شود. استفاده از ویزا به عنوان ابزار سیاسی، حمایت از نسل‌کشی در غزه و سابقه نقض حقوق بین‌الملل مانند حمله سال ۲۰۰۳ به عراق و سال ۲۰۲۵ به ایران، از آمریکا برای میزبانی از هرگونه سازمان بین‌المللی مشروعیت‌زدایی می‌کند. هم‌زمان با بحران فلسطینی، اخباری از محدودیت بر هیئت ایرانی نیز منتشر شد. آسوشیتدپرس گزارش داد آمریکا در حال اعمال ممنوعیت سفر و محدودیت‌های دیگر بر هیئت‌های ایران، سودان، زیمبابوه و برزیل است. سیدعباس موسوی، معاون تشریفات ریاست‌جمهوری ایران، این اقدام را «غیرقانونی و تکراری» خواند و به سلسله بر خوردهای مشابه آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد و روحانی اشاره کرد. محدودیت‌ها شامل ممنوعیت تردد خارج از نیویورک و حتی ممانعت از خرید از فروشگاه‌های زنجیره‌ای مانند کاستکو است. اقدامی که CNN آن را «طنز آمیز» توصیف کرد. این اقدامات آمریکا درحالی صورت می‌گیرد که پیش از ایسن ۴۰۰ قانونگذار آمریکایی، از جمله تام کاتن مطالبه رد ویزای مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران را از ترامپ داشتند. از منظر حقوقی، اقدام آمریکا نقض آشکار توافق ۱۹۴۷ است. این توافق که به عنوان «پیمان میزبانی» شناخته می‌شود ایالات متحده را ملزم به «تسهیل دسترسی بدون محدودیت» می‌کند. نقض قانون به این معنی است که آمریکا صلاحیت میزبانی را از دست داده است. استفاده از ویزا برای سرکوب، وتوی یک‌جانبه قطعنامه‌های ضداسرائیلی و حمایت از تداوم نسل‌کشی باعث می‌شود تا انتقال دائمی جلسات مجمع عمومی سازمان ملل به ژنو به عنوان یک پیشنهاد جدی مورد مطالعه قرار گرفته شود.



غزه‌ای است. غزه‌ای که از اکتبر ۲۰۲۳ تحت بمباران رژیم صهیونیستی قرار دارد و با آوارگی بیش از ۱٫۹ میلیون نفر، گرسنگی گسترده و شهید شدن بیش از ۶۰ هزار فلسطینی روبه‌رو است. اقدام آمریکا در چهارچوب حمایت بی‌وقفه از اسرائیل قرار می‌گیرد. ترامپ که سفارت آمریکا را به قدس منتقل کرد و یک تته برای حمایت از اسرائیل در مقابل هرگونه قطعنامه ضداسرائیلی سازمان ملل ایستاد و آن را وتو کرد، فلسطین را «تهدیدی برای صلح» معرفی می‌کند. رد ویزا پاسخی به درخواست‌های فزاینده برای به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان کشور مستقل است. کشورهایی مانند انگلیس، فرانسه، کانادا و استرالیا نیز تهدید کرده‌اند در حال آماده‌سازی برای اعلام رسمی به رسمیت شناختن فلسطین در نشست ۲۰۲۵ سازمان ملل هستند.

حتی اروپا هم زبان بازکرد

مقامات اروپایی که این روزها تحت تأثیر فشار افکار عمومی جامعه خود ناچار شده‌اند حداقل به صورت زبانی در حمایت از فلسطین موضع بگیرند، نسبت به این اقدام آمریکا نیز واکنش نشان دادند. نخست‌وزیر اسپانیا، پدرو سانچز آن را «ناعدالانه و مخالف اصول دموکراتیک» توصیف کرد. فرانسه تأکید کرد: «صندلی‌های سازمان ملل باید برای همه هیئت‌های شناخته‌شده قابل دسترسی باشد.» خاویر بتل، وزیر خارجه لوکزامبورگ، پیشنهاد داد: «چرا به جای نیویورک، به ژنو نرویم تا به فلسطین گوش دهیم؟» او همچنین از ناتوانی اتحادیه اروپا در اتخاذ موضع مشترک برای تحریم اسرائیل ابراز تأسف کرد.

آمریکایان این اقدامات را با هدف کاهش حمایت‌های جهانی از به رسمیت شناخته شدن فلسطین انجام می‌دهد. با ۱۴۷ کشور حامی و برنامه‌ریزی انگلیس،

ازجمله در دوران ریاست‌جمهوری جورج بوش پسر، باراک اوباما و ترامپ که محدودیت‌هایی بر هیئت‌های ایرانی اعمال شد.

در سال ۲۰۲۵، الگوی ۱۹۸۸ تکرار شده است. دولت ترامپ که در سال ۲۰۲۴ دوباره به قدرت رسیده، ویزای محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و بیش از ۸۰ مقام دیگر را رد یا لغو کرده است. ماکزورویو، وزیر خارجه آمریکا این اقدام را بر اساس «قانون آمریکا» توجیه کرده و ادعا کرده فلسطینی‌ها امنیت ملی آمریکا را تهدید می‌کنند. این ادعا که واشنگتن آن را «تلاش برای تضعیف صلح» می‌خواند، درواقع اقدامی برای جلوگیری از به رسمیت شناخته شدن فلسطین و همچنین پاسخی به فلسطینی‌ها در طرح دعوی علیه جنایات رژیم صهیونیستی در غزه است. جنایاتی که سازمان ملل نیز آن را «نسل‌کشی» توصیف کرده است. این سابقه تاریخی نشان‌دهنده یک الگوی سیستماتیک است که آمریکا در چهارچوب آن از موقعیت میزبانی خود برای سرکوب صداهای مخالف استفاده می‌کند. در این چهارچوب حتی چهره‌هایی مانند محمود عباس که همواره سعی داشته‌اند با تطبیق دادن خود با دستورات آمریکا کرسی قدرت را حفظ کنند نیز ذبح می‌شوند.

اقدام آمریکا علیه هیئت فلسطینی

وزارت خارجه آمریکایی بیانیه‌ای رسمی اعلام نمود ویزاهای اعضای سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) و تشکیلات خودگردان فلسطین (PA) را «رد و لغو» می‌کند. این اقدام بر پایه قانون مهاجرت و ملیت آمریکا توجیه شده است. رویو ادعا کرد این مقامات «حمایت از تروریسم» و «ارتو بیج می‌دهند و تلاش‌های صلح را تضعیف می‌کنند. این اقدام وزارت خارجه آمریکا نه تنها نقض توافق ۱۹۴۷ است بلکه تلاشی برای خاموش کردن صدای قربانیان نسل‌کشی در